

هنر تبدیل اعتراض به بحران

نسرین ضمیری

اولین تصاویر منتشر شده از اعتراض کشاورزان مربوط می‌شد به مراجعه آنان به سازمان آب و برق خوزستان؛ تصاویری که تداعی‌کننده فیلم سینمایی «زننده باد زاپاتا» ساخته «الیا کازان» است. مراجعه کشاورزان به سازمان آب و برق خوزستان امری عادی و آشناست و کارکنان سازمان هر ساله و هر سال چندین بار شاهد این صحنه‌ها هستند. برحسب اتفاق این‌بار زمانی آمده بودند که جلسه مدیریت بحران استان در سازمان آب و برق خوزستان تشکیل شده بود با موضوع بررسی و برنامه‌ریزی برای خشکسالی. کشاورزان و دامداران آمدند اعتراض خود را بیان داشتند، پاسخ مدیران را هم شنیدند و رفتند. به فاصله کوتاهی کلیپی در شبکه‌های اجتماعی از «هورالعظیم» منتشر شد که چندین گاومیش را در لجنزاری باقیمانده از آب‌های تالابی خشکیده نشان می‌داد. همزمان کلیپ دیگری منتشر شد از جاری شدن آب در زاینده‌رود و خوشحالی مردم اصفهان. همین تصاویر کافی بود تا جرقه‌ای باشد بر خشم و مطالبات انباشته شده مردم خوزستان. اگر چه کارشناسان، متخصصان و مدیران سازمان آب و برق، پژوهشگران و اساتید دانشگاه، فعالان اجتماعی و محیط زیست همیشه مخالف برنامه‌های انتقال آب بوده‌اند، اما مردم تا هنگام سیل سال 98 و خشکسالی امسال، اثرات آن را بر زندگی خود اینچنین لمس نکرده بودند و شد آنچه نباید می‌شد. روزهای بعد آنقدر خبر و تحلیل و تصویر منتشر و چنان فضایی ایجاد شد که دیگر صدا به صدا نمی‌رسد. در چنین فضایی نه مدیران فرصت مطالعه این حجم از تحلیل و تفسیر را دارند و نه مردم تکلیف خودشان را می‌دانند و نتیجه‌اش می‌شود کمپین جمع‌آوری آب معدنی و جریحه‌دار شدن باز هم بیشتر احساسات خوزستانی‌ها یا رهاسازی آب پشت سد کرخه، آبی که برای کشت پاییزه در نظر گرفته شده و به قول مدیران آب و برق «ذخیره استراتژیک» پاییز بود. شخصاً تا جایی که امکان‌پذیر بود مطالب منتشر شده را مطالعه کرده‌ام؛ سه مطلب انتخاب شده ذیل تقریباً هر کدام بخشی از دلایل وقایع اخیر را بیان داشته‌اند:

1- اولین مطلب را «داریوش بهارلویی»، مدیر پژوهش‌های کاربردی سازمان آب و برق خوزستان با عنوان «فرصت‌های از دست رفته مدیریت خشکسالی خوزستان» به تاریخ 27 تیرماه در سایت «عصر ایران» نوشته.

بهارلویی مهم‌ترین دلایل ایجاد وضع موجود را به‌رغم هشدار بهمن ماه سازمان هواشناسی در خصوص وقوع خشکسالی یعنی 5 ماه قبل از شروع اعتراضات به شرح زیر می‌داند:

«عدم هماهنگی سازمان‌های ذریب‌ط در خصوص تعیین مناطق حساس و آسیب‌پذیر و تهیه نقشه و بانک اطلاعاتی بر مبنای روستاها شامل تعداد خانوارها و اراضی تحت کشت، تعداد احشام سنگین و سبک، شرایط تامین آب شرب مورد نیاز، جداسازی کشاورزان اراضی کوچک و کمتر برخوردار، نصب مخازن ذخیره آب آشامیدنی، اصلاح سیستم لوله‌کشی و ایستگاه‌های پمپاژ برداشت آب روستایی، اصلاح و لایروبی مسیر عبور آب، ذخیره و دپوی آب آشامیدنی بسته‌بندی شده، آماده‌سازی تانکرهای حمل آب شرب و در صورت لزوم کمک خواستن از استان‌های معین و همچنین آگاه‌سازی و همراه کردن کشاورزان با برنامه تغییر الگوی کشت با توجه به کم‌آبی و در نهایت سبک شمردن و تحلیل غلط از میزان خسارات و تبعات خشکسالی و برآورد نادرست از آستانه تحمل و تاب‌آوری جوامع شهری و روستایی استان».

2- مطلب دوم در تاریخ 28 تیرماه به نقل از خبرنگار اقتصادی «خبرگزاری فارس» است با عنوان «تناقض ذخیره آب یا تولید برق در سدهای خوزستان/ چرا آب نایاب شد؟» خبرنگار مذکور بعد از شرحی مفصل با ارایه آمار و ارقام می‌نویسد: «در همین راستا متهم ردیف اول ائتلاف منابع آبی در 2 سال گذشته تغییر رویکرد استفاده از مدیریت منابع آبی به سمت تولید برق است به‌طوری که نیروگاه‌های برق‌ابی در زمستان مجبور به تولید برق شدند و آب را رها کردند. به زبان ساده قربانی کردن منابع آبی در شرایط پیش‌بینی خشکسالی با هدف تولید برق».

3- سومین دلیل را می‌توان در مطلب سوم با عنوان «خوزستان فصل هفتی» نوشته عباس عبدی به تاریخ 28 تیرماه منتشر شده در روزنامه اعتماد یافت. در قسمتی از این مطلب می‌خوانیم: «ظاهراً سیاست‌های جاری در خوزستان حتی از مرکز نیز به صورت دقیق کنترل و هدایت نمی‌شود، بلکه جریان امور به عهده نیروهای رقیب و غیرهمسو در استان افتاده». به‌طور خلاصه همچنان ضعف‌های «مدیریت بحران» مهم‌ترین علت پیچیده شدن وقایع اخیر است. اخذ تصمیمات خارج از استان و حتی خارج از وزارتخانه دومین عامل مهم است و در نهایت همزمان با تغییر دولت و جابه‌جایی قدرت و سهم‌خواهی جناح‌های رقیب سومین دلیل تشدیدکننده شرایط بود، سه دلیلی که همچنان پابرجا هستند. پیش‌بینی شده پاییز کم‌بارشی خواهیم داشت، آیا برای پاییز آماده می‌شوید؟ یا بحران دیگری در راه است؟

□□□□□□ 1400 □□□□ 3 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□